

« دنیای درممانده باید بسوی این هدف یعنی هدف تهنات
نظری بریج و جهانی تماشگر کند ، نظری که اساسش آقی
است و نظرگاهش کانه عالم انسانی . »

هدف نظم بدیع جهانی

از آثار مبارک

حضرت ولی امر الله جل ثناوه

ز بهر همیشه نمایان

این تریغ شیخ تحت عنوان « The Goal of a New World Order »
در ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ میلادی از سمت حضرت شوقی ربانی ، ولی امر جهانی ، صادر گشت .
در سال ۱۹۳۸ برای نخستین بار مجله مجله‌های تحت عنوان « نظم جهانی بعبان الله »
(The World Order of Bahá'u'llah) از طرف منسب روحانی تبار
بانیان امریکا انتشار یافت . این مجله در سالهای ۱۹۱۴ ، ۱۹۵۵ ، ۱۹۶۵ تجدید چاپ شد .

مؤسسه علمی مطبوعات امری

۱۳۳ بیع

ای عشاق دلبر آفاق

سلسله حوادث حبیب انبیر! عالم بشریت را بقتله و هدی که حضرت
بها، الله پیشین فرزوده اند. بدنی نزدیک ساخته که هر پیر و ثابت قدم
امیرش وقتی شواهد و علائق را که از بر جبهت سالی از درد و الم ز میان عالم است
مشاهده مینمایند و اند از تصور قرب تولد نظم بدیع الهی بیجان نیاید و اتمتر از یاد
در این وقت که در سراسر عالم بنا سبست پایان نخستین و به سمو و ناکهانی
حضرت عبد البها، از جمع اهل بها، جلسات تذکره منقده میسکودد شاید بی بنا سبست
باشد که وقایع انبیر را در پر تو تعالیمی که از آن حضرت برای عالم به ارث مانده بود
مطالعه مستر درویم. وقایعی که جلوه تدبیری نظم بهانی حضرت بها، الله را تبیین
کرده است.

۱ این تو قیوم منیع سال ۱۹۳۱ میلادی از رقم حضرت ولی امر الله صدور یافت و اشاعت
آن مربوط به جنگ بهانی اول است. (دم ۱۰)

ده سال پیش دست در همین روز خیر دست اثر صعود حضرت عبدالبها.
پسر اسرودینا مخامبره شده تنها حضرتش میخواست بانیروی محبت ، قدرت و
خرد خویش برای عالم مجا. و پناه و محل امید و تسلی باشد ، دینیانی که مقدر بود
در معرض صدمات و لطافات فراوان سترار گیرد .

ماشتی از شینمکان حضرتش که مدعی شناسائی نوری هستیم که در وجود
المشس بر تواند افتد بود هنوز نیک یاد میاوریم که در او اعرحیات مبارک خود
اشاره میفرمودند عالم انسانی که هنوز تجدید حیات روحانی نیافته تاگزیر دستخوش
اضطرابات و صحت های فراوان خواهد گردید .

برخی از مایستوایم گشاد گهر بار و پر معنای آن حضرت را در جمع زائرین
و مسافرین که در فردای برگزاری جشن پایان جنگ جهانی بیان میفرمودند نوصوح
بخاطر آدریم ، جنگ فرور با وحشت و دشتی که در دلها انداخت و خسارتی
که بار آورد و هرج و مرجی که بدنبال داشت بر سر نوشت انسان تأثیری محسوس
باقی گذاشت . حضرت عبدالبها با اطمینان و قدرت فراوان این نکته را
تاکیه میفرمودند معاهده ای که مل و دولت آفرانمتره منظر پیروزی عدالت شمرده

و بعنوان وسیله و شیق صلح و مودتی پایدار استقبال کرده اند در بطن خود مکرر
تزییری ظالمانه پنهان دارد که با مال عواقب و خیمی بیار آرد و مکرر از لسان
شنیده میشد که میفرمودند :

« رؤسا و مردم لایق قطع میگویند صلح صلح و حال آنکه هنوز ما ضعیفانه
بغضاء در صد و رشان شعله در است . » (ترجمه)

در وقتی که هنوز غریب شادی و فزوان احساسات فتح و پیروزی در اوج خود بود
ذتها پیش از آنکه کمترین شک و شبهه ای در دلها راه یابد یا بر زبانها جاری گردد
اغلب صدای مبارک شنیده میشد که با همسنان کامل میفرمودند سندی که از
آن بعنوان نشور آزادی عالم بشریت مدح و ستایش شده است در بطن خود چنان
بندای مکرر فیسی تیغ پنهان دارد که دنیا را بیش از پیش با سارت خواهد کشید و حال خواهد
فزاوان چسبمت قضاوت خطانا پذیرش گواهی میدهد .

ده سال آشوب مستمر مشون از درد و رنج و پراز اثرات خطر برای آیندگان
بشر دنیا را به لبه پر تگاه بلانی کشانده که سخنش هراس انگیز است . بین غریب شادی
نماندگان که در قصر در سای طنین انداخت و آه و حنین آشکارای درد و مصیبت که

غالب مغلوب در این کلمه در ذناب پاپی بدون بصورت و ابیة سر داده اند
تصادفی مشاهده میشود که حقیقت علم انگیز و تأثر آور است .

دنیای منته از جنگ - نیروی فبعث از اتفاق طراحان و تصد کنندگان

معاذ به کسی صلح و آفاق عالیه ای که اساسا الهام بخش مؤسس میثاق جامعه ملل
بشار میرفت بچیک نتوانست در برابر حملات قوای تفرقه انگیز که دامنا به جامعه
من متوجه بود مندی سدید پدید آورد . جامعه ای که با دشواری منسردان
بنیان و بنیاد یافته بود . مضامین موفقتنا سه صلح که قوای فاتح در صد تکمیل
آن بودند و نیز ترکیب و بنای مؤتسه ای که رئیس جمهوری خردمند در جستجوی
طرح این بشار میرفت نتوانست ثابت کند که در مغمه م یاد وصل و مسائل و مسائل
تدریب دیده تا بتواند دوام و قوام نظامی را تضمین کند که برای استقرارش تلاش
فراوان شده بود . حضرت عبدالباآ در ژانویه سال ۱۹۲۰ چنین مرقوم داشته اند :
و این ظلمات مشکف نگردد و این امراض مرمنه شفا نیابد بلکه روز بروز منته
سود و خیر گردد . بالکلان آرام نگنید و از اول بدتر شود و دل مقهوره آرام نگنید
بر رسیدت شبث نماید که آتش جنگ و دوباره شعله زند . حرکتی تازه عمومی تمام

رأد تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود حرکت شمالیه خلیج اجمیت خواهد یافت
وسرایت خواهد کرد...» (۱)

از وقتی که این کلمات عالیات از قلم منجر شیم حضرت عبداللہا صادر شدہ
رکود اقتصادی مسرہا باہج و مرج سیاسی ، تورم مالی ، آشفتگی مذہبی و مخاصات
نژادی کوئی دست بستہ ہم دادہ اند تا بر ثقل دنیای رنجور دستہ از سنگلی میفزایند
کہ از تحمل سنین بار سنگین باآہ و انین و ساز است . این بحر انہای متعاب کہ با سستی
حیرت انگیز مترادفا پیدا رگشتند با ہم چنان نرسبتی برپیکر عالم وارد ساختند کہ
اساس اجتماع را متزلزل کردند . بہر قارہ ای نظری نگنیم و بہر سو و کرانہ چشمی اندازیم
برای العین مشاہدہ میکنیم کہ دنیا در ہمہ جا در معرض حملات نیرو ہائی است کہ نہ میتواند
آزاد تشریح کند و نہ قادر است بر آن غالب آید .

اروپا کہ تاکنون بعنوان مہدمدن پردہ عا و بعنوان مثل دار آزادی و حسیہ
صفت و تجارت دنیا شناختہ شدہ بود حیران و در ماندہ بدین دگر گونیہای عظیم
نظر دوختہ ، آمال دیرینہ در دستبرد سیاست و نیز اقتصاد عالم بشریت از یکسو در برابر

قوامی از تجاری و از سوی دیگر در مقابل صنعت های افزایشی صنعتی به پویه تزیین
کشیده شده است. از قلب آسیا فریادی صیّب و تهید که بطور مستمر گدازش می رسد
و بیانگر عقیده و مرامی است که با انکار حسد و اصول و قوانینش اساس اجتماع
بشر را به زوال تهدید میکند. هر چه در پیاجوی ناسیونالیسی نوزاد حسد استجه به
شکست و لاذه بی بر مصائب قاره ای می افزاید که تاکنون بعنوان رمز شایقی پر در دم
و تفریق و آراشی با توأم شناخته شده بود. از قاره نخلنی افریقا تا شایر
طیفانی بازار ده و آنگاه علیه مقاصد دروشنای استثمار سیاسی و اقتصادی بطور
روز افزون محسوس است و بسم خود بر انقلابات عصری پر رنج می افزاید. حتی اگر
که تا زمان اخیر از سیاست دیر پای اقتصادی نیاز و پامر جا و استحکام میزیست
و شواهد رفاه و ثروت روز افزون خویش مباحثات میکرد و توانست در برابر بر و با
میبی که آنرا بوطه ممالک اقتصادی کشانده مقاومت کند - توانی که اکنون است
حیات صفتی و اقتصادی آنرا تهدید میکند. استرالیا که بغایت دوری از مرکز
طوفان نیز اروپا انتظار میرفت که از مصائب مرجع و مین قاره ای در درون میسبون
ماند بدین گرداب رنج و تلاطم کشیده شده و قادر نیست خود را از دام نفوذ آن رها سازد.

علامت برج و مرج قریب الوقوع - در واقع حسب تفسیرات و تحولاتی چنین
گسترده و اساسی در قلمرو فعالیت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بشر انگون که
اکنون در جمیع نقاط دنیا جریان دارد سابقه نداشته - هرگز این همه منابع گوناگون
خطر آشنائی که امروزه بنسب ان اجتماع بشری تهدید میکند نبلا وجود نداشته است .
وقتی در باره وضعیت کنونی دنیای آشفته و پر آشوب بفکر میسر داریم این نکات حایمان
حضرت بمانند اهمیت خود را آشکار میسازد :

« غفلت تاکی ، اعتساف تاکی ، انقلاب و اختیاف تاکی ... فی کشفه
ایران یاس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختیافات عالمه
یو تا فیوما در تزیاید . آثار صرح و مرج مشاهده میشود چه که هسبانی که حال موجود است
بفکر موافق نمی آید ... »

تاثیر اضطراب انگیز سیاسی میایدون نفوسی که تحت شرایط نامناسب بصورت
انفیت در سراسر قاره اروپا زندگی میکنند . ثقل فادح و اثرات فساد انگیزشکرتیم
دوادم آشناید بیکاران بر دودل و مل . مسابقه بحام گسخته و سید و قید تسلیحات تمجیل

مصارف باهنگه آن پرورش فتیله‌های ناتوان در شجر تفلیک کابل موازین
 اخلاقی از میادین بازارهای مالی بین المللی و هجوم قوای دنیا پرستی و حملات
 آنها بر حسن حسین صادق جزئی سیسی و اسلام علامت دشت زانی بشمار میرود که بجا
 آینده تمدن جدید را تهدید به و حامت و آشفتگی مینماید. پس تعجب آور نیست که
 یکی از متفکرین برجسته اروپا که در خردمندی و رعایت حکمت شرت وارد میشود
 بیانی چنین جسورانه ابراز کند: « دنیا در حال عبور از شدیدترین بحران تاریخ
 تمدن است. » یکی دیگر میگوید: « یاد آستاز مسمیت و بله امی جهانی
 قرار داریم یا در بدو طلوع عصر حقیقت و خرد قائم هستیم. » و علاوه میکند که:
 « در چنین زمانی است که مذاهب میمیرند و تولد مینمایند. »

چوت به افق سیاسی نظر میدوریم آیا صف آرانی نیرویانی را احساس میکنیم
 که میسرانند بار دیگر قاره اروپا را بر اردوگاههای متخاصم منقسم سازند و بر مجاری
 مصمم گردانند که برخلاف جنگ گذشته دلالت بر اقدام یک دور، یک دور
 وسیع در تاریخ تکامل عالم بشری میکند؟

ناکه به پاسداری و حراست امر بی نظیر و بدیلی مفقود و ممتاز گشته ایم آیا نباید

شاید تفسیر و تسمولی شکر ف در حیات عالم بشریت همانند آنچه سقوط امپراطری
 رم را در باختر زمین تسریع کرد. باشیم. تفسیراتی که از نظر سیاسی اصولی و
 از نظر روحانی سودمند خواهد بود؟ هر یک از پیروان بیدار و هوشیار امر حضرت
 بهاء الله ممکن است در این باره بنیشتد که آیا احتمال نمیرود از این فوران جهانی
 نیروی جریانی یابد که دارای چنان قدرت روحانی باشد که نه تنها شکوه جدول
 علم و عجاب ما را با استقرار دیانت مسیح را بنجا طر آورد بلکه آنها را تحت الشعاع
 قرار دهد! آیا احتمال نمیرود که از درون بیخ عالم دنیایی و شکسته تجدید حیات
 روحانی تولد یابد که از نظر قدرت و وسعت متی بر نیروی حادی عالم که در خواص
 معین طبق حکمت خفیه اعصار و مل منظر را از نو احیا کردند. تفوق یابد؟ آیا احتمال
 نمیرود که شکست تمدن مادی و پرمیاهومی عصر حاضر خفیه مشکلات و موانعی را از
 میان بردارد که حال امر مبارز الهی را از حساوه و شکوفائی آتی باز میدارد؟
 بگذارد حضرت بهاء الله بنفسه با انوار بیانات خویش بر احوالی که در پیش داریم و
 بر مسیر پر فراز و نشیب و مصیبتی که در این عصر پر پنجمی سپا نیم بر تو افشانی کند.

بیش از پنجاه سال پیش (۱)، در دنیائی که از آلام و مصائبی که اکنون دچار
 آنست بسی دور بود از قلم معجز شیش این کلمات مهم عتسه نزول یافت :
 « عالم منقلب است و انقلاب او یونانیونما در نزاید و وجه آن بر خفت و
 لاذیمی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد شبانی که ذکر آن حال متعسف نه وند
 بر این پنج ایام می رود و اذا تم المقاتل یظهر نقتة ما ترعد به فرانس العالم اذا
 ترتفع الاعدام و تفرد العادل علی الاقنان . . . »

ضعف سیاستمداری -

ای اجنای عزیز و محبوب ! عالم بشریت ، خواه از نظر اخلاق فردی یا از
 لحاظ روابط موجود بین جوامع و ملل ، افسوس که دچار چنان انحراف شدید و انحطاط
 عظیمی گشته که از طریق مساعی بهترین سیاستمداران و برترین زمامداران عالم ، اگر
 مساعی آنان نموده نگردد ، نجات نخواهد یافت . هر چند هم نفوس فرور در ذلت خویش
 ساق ، در اقدامات خود متحد و در برابر عشق و حسد اکاری برای این امر مقیم بی دریغ
 باشند . در آخرین چاره اندیشی برای عالم انسانی یعنی هر طریقی که بر بسته ترین ریل

۱- اکنون بیش از نود سال پیش ، چونین ترویج سال ۱۹۳۱ صادر شد (م - ۱)

سیاسی بنحوا بد ابداع کند ، هر اصلی که ممتاز ترین اقتصاد دان دنیا احتمالا امیدوار
ارائه آن داشته باشد ، هر تعلیمی که پرشورترین اخلاقین عالم در ترویج آن تلاش نماید
نمی تواند شالوده یستینی فراهم آورد تا بر اساس آن آیند . دنیای بیچاره و آشفته تنه است و به
کردد .

توسل به اصل تفاهم متقابل که احتمال دارد عقلای دنیا آنرا اغوا کنند و خنجر
نصرتانه و الزام آمیز با شمشیر باند میچانات دیار افروشانند و قوای زبردست
را بدان بازگرداند . و نیز بر نوع طرح عمومی صرف تعاون و تعاضد متشکل بین المللی در هر
رشته از فعالیت انسانی به چنین تمه با مهارت تطبیق شود . نظر کابش وسیع باشد
باز نخواهد توانست حالت اصلی فساد که نظم کنونی عالم را مضطرب ساخته از میان
حتی سحرات میگوید که نفس اقدام به ابداع بستگاری که برای اتحاد سیاسی اقتصاد
عالم لازم است . اصلی که در زمان اخیر تر از این اظهار پیشنهاد شده بنفیه نمیتواند در مقابل
سعی که مستمر اقوامی ملل و نمل را تحمیل میبرد و تریاتی شغابش فراهم آورد .
آیا راهی دیگر وجود دارد جسره اینکه با اطمینانی کامل تائید کنیم که تساقبول شرط
نقشه منصفه حکومتی که حدود و شصت سال پیش با چنین صراحت و قدرتی از جانب

حضرت بهاء الله اجماع شده و در اصول و مبادی قیّمه خود متضمن نظمی الهی برای وحدت
 عالم انسانی در این عصر است همراه با ایمانی راسخ به تاثیر هر یک از اجزای این برنام
 الهی میتواند با مالک در برابر سیاه و حای ویرانگر داخل معاومت و زرد و نیرود
 که اگر سدی محکم آنرا از جریان باز ندارد قوای حیاتی جامعه مایوس بشر را بتخلیل خوا
 برد. پس دنیای در مانده باید بسوی این هدف یعنی هدف استقرار نظمی بدیع و جهان
 تقاش کند. نظمی که اساسش الهی است و نظر کاهش کافه عالم انسانی، مبادی
 مبتنی بر عدالت است و کیفیتش دگرگون ساز و مبارز طلب .

ادعای احاطه بر کلیه مفاهیم نظم فنییم بحسب آ الله برای وحدت عالم انسانی
 یادکن اهمیت آن در این برهه از زمان حتی از جانب پیروان ثابت قدم امرش
 حرکتی مشهورانه محسوب میشود و کوشش در تصور همه امکانات و تصرفاتش و احصاء
 برکات آینده اش یا تصویر شکوه و جلال مقدر آن حتی در این مرحله پیشرفته در تکامل
 حیات عالم انسان اقدامی عجز نانه بشمار میرود .

مبادی اساسی نظم بدیع -

عدا کثرت میستوریم این جزات را بخود بدیمیم که برای درک لمحای از بوارق اولیّه

صلح موفود تا شش کنیم که مقدر است انوارش در میقات خود ظلمات مستولی بر
 عالم انسانی را محو و زائل سازد. خدا کثر میوینیم مبادی اساسی که زیر بنای نظم
 بدیع حضرت بها، الله را تشکیل میدهد آنچنان که حضرت عبدالبها، مرکز همه
 میثاق رب الملکوت با اهل ناموس و شارح و مبین مخصوص کلمه الله شرح و بسط
 داده اند اشاره نمایم .

اینکه اضطرابات و آلام مستولی بر قاطبه عالم انسانی بجهت زیاده از نیاز مستقیم
 جنگ جهانی است و به عدم بصیرت و خردمندی تهیه کننده گان معادلات صلح
 مربوط میشود فقط فردی متعصب مینماید از قبول آن امتناع ورزد. در اینکه تعهدات
 مالی که در جریان جنگ با مضا رسید و نیز تکمیل نر امته سنگین و کمر شکن بر ملت
 مغلوب تا حد زیادی مسئول این توزیع ناعادلانه کالا و در نتیجه نقصان و خرابی
 و تشنگی در نظام پولی دنیا بوده خود سقوط تاریخی قیمت ها را تشدید کرده و نتیجه برابر
 سنگین مثل فیر و ناتوان افزوده است هیچ انسان بی طرف شک نمیکند .

اینکه دیون بین الدول مصیقه شدیدی را بر توده های مردم اروپا تحمیل کرده و ثبات
 بوده های ملی را متزلزل ساخته ، صنایع ملی را فلج نموده و بر تعداد بیکاران افزوده است

ناظر بی‌غرضی پوشیده نیست. در اینکه روح انتقام، سوءظن، ترس و رقابت که
زاینده جنگ بود و مضامین معاهدات صلح آن را تقویت کرد و پایدار ساخت و منجر
به تزیید رقابت ملی در سیاحت گردید و در سنه گذشته مجموع مخارج آن بیش از هزار میلیون
لیره استرلینگ بالغ شد که منوبه خود آثار کساد می اقتصادی جهان را تشدید کرده است
حقیقی است که حتی سطلی ترین ناظر در تصدیق آن تردید بخود راه نمیدهد.

اینکه طینت پرستی تنگ نظر و خونت آمیز که نظریه خود مختاری پس از جنگ
آزاد تقویت کرد اساساً مسؤل سیاست تحدید در دو کالاه و تعیین مالکات گرفت
است و برای جریان سالم تجارت بین المللی و نظام مالی بین المللی بسیار خطرناک
و منفر می باشد و اوقیتی است که کمتر کسی جرأت میکند با آن به احتجاج برخیزد.

بهر حال این بحث و جدل بیفایده است که جنگ با همه خساراتی که در برداشت
و بیجانانی که برانگیخت و آه و اینی که در پی داشت منحصراً مورث انقلابات و مرج و موج
بی سابقه است که در حال حاضر تقریباً همه شنون و نیای متمدن را فرا گرفته است.

آیا این واقیتی بشمار میسرود؟ در عین حال این خود جوهر مطلب است که میجوهر
تا گیه کنم که علت اصلی انقلابات و انقلابات و نیایش از آنچه از نتایج حوادثی

باشد که دیر باز و بعنوان دگرگونی گذرا در امور و شئون دنیای دائم تغییر نشسته
 خواهد شد بیشتر مربوط بقصور کسانی است که زمام سرنوشت مردم و دولتسار اردو دست
 دارند و در تعدیل و تطبیق نظام سیاسی و اقتصادی ممالک خویش با احتیاجات و
 مقتضیات عصری سیرج الکامل کوتاهی میورزند. آیا این بحر انسانی تنادب که
 جامعه کنونی را دچار انقلاب و مرج و مرج ساخته اساساً بعدم بصیرت مانف آور
 رزسا در مادران دنیا مربوط نمیشود که نمیتوانند آثار و علامت زمان را درست بخوانند
 و برای همیشه خود را از افکار قدیمه و عقاید ارجحی و مقیمه نجات بخشند و دستگاه ناک
 خویش را طبق موازینی که در اعلان همین حضرت بآ الله راجح بوحدهت عالم انسانی
 مصرح است، و از خصوصیات بارز و ممتاز امرش بشمار میرود، از نو شکل بخشند
 زیرا اصل وحدت عالم انسانی که اس اساس حکومت محیطه و سیطره غالبه عالم
 محسوب میشود حاکی از تمیز و اجزای نظمی بدیع و نقشه ای منسج برای وحدت و اتحاد
 عالم است که از پیش بدان اشارت رفت. حضرت عبدالبهاء میفرماید:

« در هر ظهوری که اشراق صبح جدیدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود
 ... در این دور بدیع و قرن طبل اساس دین الله و موضوع شریعت الله ... اعلان وحدت

عالم انسان است ...

حقیقتاً ماسعی هربران مومسات عالم بشریت چقدر هفت بگیر نیست
که بی توجه به نیاز زمان میخوابند حوادث و وقایع ملی را تناسب با مقتضیات
خود مختاری ایام پیشین تعدیل و اصلاح کنند ، در عصری که بشر باید با اتحاد
عالم انسانی را الحقیق نقشه حضرت بجا آفته تحقق دهد یا محو و نابود گردد .
در این نقطه بحرانی در تاریخ تمدن برز ما مداران کلمتیه طتهای جهان چه بزرگ
و چه کوچک ، چه غالب و چه مغلوب ، خواه در خاور و خواه در باختر ،
فرض است که بنیاد همین حضرت بهاء الله کوشش بوش فرادارند و با تکیه
به اتحاد و همبستگی جهانی و با وفاداری کامل نسبت با مراحمی مردانه قیام کنند
تا دستور منبع ملکوتی را که طیب الهی برای مداوای درد های جهان در دمنده تجویز
کرده است تماما بموقع اجرا گذارند . بگذار برای همیشه بهر نوع پیش داوری
بهر نوع تعصب ملی را فراموش کنند و بوسیله عالی حضرت عبد البهاء بهترین
منصوص امر بها ، کوش فرادارند که در جواب یکی از کارکنان عالیترتبه حکومت
فدرال ایالات متحده امریکا که پرسید چگونه میتواند به بهترین وجه بمصالح ملکت

وقت خدمت کند، فرمودند: «چنانچه در خیر امر یکا سنی مینامی باید خیر خواه
عموم ملل و ممالک باشی.»

در رساله مذکوره که مخزن کلمات عالی حضرت عبدالبهاء برای تجدید نظام دنیا
آیه بشمار میرود چنین مسطور است:

«بل من حیثیتی و قتی در قطب عالم علم افزاد که چند ملوک بزرگوار بلند است
چون آفتاب رننده عالم غیرت و حمیت بجهت خیریت و سعادت عموم بشر
بعزمی ثابت و رانی راسخ قدم پیش نهاده مسئله صلح عمومی را در میدان مشورت
گذازند و جمیع مسائل و وسائط تثبیت نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاظه
قویه و میثاق و شروط ممکنه ثابته تائیس نمایند و اعلان نموده با اتفاق عموم هیئت
بشریه موکده فرمایند این امر اتم اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است
کل مکان ارض مقدس شمرده جمیع قوای عالم متوجه ثبوت و بقای این عهد عظیم باشند
و در این معاظه عمومی تعیین و تحدید حدود و شعور همه دولتی گردد و توضیح روش و
حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیه و روابط و ضوابط مابین
هیئت حکومتیه بشریه مقرر و معین گردد و کذالک قوه عربیه هر حکومتی بتجدی معلوم

منقص شود چه اگر تدارکات محاربه و قوه عسکریه دولتی از زیاد یا بدسبب توهم دول
 سازه گردد . باری اصل مبنای این عهد قویم بر آن قرار دهند که اگر دولتی از
 دزل من بعد شرطی از شروط رافع نماید کل دول عالم بر ضحلال او قیام نمایند بلکه
 هینت بشریه کمال قوت بر تدمیر آن حکومت بر خیزد اگر بسم مریض عالم باین دار
 اعظم موفق گردد ، البته اعتدال کلی کسب نموده و بشنای دائمی باقی فائز گردد .
 اضافه میفرماید که : و بعضی اشخاص که از هم کلیه عالم انسان بخرزند این امر را
 بسیار مشکل بلکه محال و متنع شمرند نه چنان است بلکه از فضل پروردگار و عنایت
 مقربین درگاه آفریدگار و همت بی متهای نفوس کامله مابره و انکار و آراء فرامد زمانه
 هیچ امری در وجود متنع و محال نبوده نیست . همت همت . غیرت غیرت لازم
 است . چه بسیار امور که در ازمنه سابقه از مقوله متعفات شمرده میشد که ابد اعقول
 تصور وقوع آنرا ننمود حال ملاحظه مینمایم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر
 اعظم اقوام که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیت و سبب فوز و فلاح و راست
 و نجات کل است از چه جهت متنع و محال فرض شود و لابد بر همت که عاقبت
 شاهد این سعادت در انجمن عالم سلوه کر گردد . «

هفت شمع اتحاد -

حضرت عبدالباقا در شرح و توضیح بیشتر این مطلب جلیل در یکی از الواح چنین منیر مایند
و در دوره های سابق هر چند اتفاق حاصل گشت ولی بکل اتفاق من علی الارض
غیر قابل زیرا وسائل و وسائط اتحاد منقود و در میان قطعات نمه عالم ارتباط
و اتصال معدوم بلکه در بین امم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار معصور بودند
جمع طوایف عالم در یک نقطه اتحاد و اتصال و تبادل افکار متعین و محال اما حال
وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات نمه عالم حکم یک قطعه یافته و از برای
هر فردی از افراد سیاحت در جمیع بلاد و امتلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت
سهولت غیر تقسیمی که بر نفس بواسطه نشریات متفرد بر اطلاع احوال و ادیان
و افکار جمیع ملل و همچنین جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری متوج
یکدیگر و از برای هیچیک استغفای از دیگری نه زیرا روابط سیاسی بین ملل
موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهایت تکلی می شود
لذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر
جمید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محسوم زیرا این قرن انوار عالمی

دیگر و توفی دیگر و نورانی دیگر دارد اینست که ملاحظه بینائی در همه روزی
معجز جدیدی بنماید و عاقبت در آنجهن عالم شمع های روشنی برافروزد و مانند بارقه
صبح این نورانیت علمیه آثارش از افاق عالم نمودار گشته .

شمع اول وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده و
شمع دوم وحدت آراء در امور عقیده است آن نیز فقرب اثرش ظاهر گردد
و شمع سوم وحدت آزادیست آن نیز قطعاً حاصل گردد و شمع چهارم وحدت
دینی است این اصل اساس است و شاید این وحدت در سمن عالم بقوت البته
جلوه نماید و شمع پنجم وحدت وطنی است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز نهایت
قوت ظاهر شود جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد سازند و شمع ششم وحدت
جنسی است جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم وحدت لسانی
یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و بایکدیگر مکالمه کنند این
امور که ذکر شد جمیعاً قطعی اصول است زیرا توفی ملکوتی نمودن آن .

حکومت عالیہ جهانی -

بیش از شصت سال پیش حضرت بهاء الله در لوح حکمه و مکتوبه یا خطاب به جمهور

۱- اکنون بیش از صد سال پیش .

نوسای کره ارض حسین میفرماید :

تَدَبَّرُوا وَتَحَلَّوْا فِيمَا يَصْلُحُ بِهِ الْعَالَمُ وَحَالَهُ لَوْ أَنَّكُمْ مِنَ التَّوَسِّينِ فَانظُرُوا الْعَالَمَ كَيْفَ كَيْلَ انْسَانٍ
مُخْلِصٍ صِيحَا كَمَا مَا فَا عَشْرَةَ الْأَمْرَانِ بِالْأَسْبَابِ الْمُخْتَلِفَةِ السَّعَائِرَةِ وَطَابَتْ لَفَتْ فِي
يَوْمٍ مِنْ بِلَيْتِنَا مَرْضَةً بَأْوَقَعٍ تَحْتَمَّتْ تَقْرَفُ أَطْبَاغِ غَيْرِ مَا ذُقُوا الَّذِينَ رَكِبُوا مَطِيئَةَ الْهَوَى
وَكَانُوا مِنَ الْهَانِينَ إِنْ طَابَ عَضْوُ مِنْ أَعْضَانِهِ فِي عَصْرٍ مِنَ الْأَعْصَابِ بِطَبِيبٍ جَادِقٍ
بَقِيَتْ أَعْضَاؤُهُ أُخْرَى فِيمَا كَانَ كُنْ كُنْ يُبَيِّنُكَ الْعِلْمُ الْكَبِيرُ... وَالَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ الذِّبَانِ
الْأَعْظَمَ وَالسَّبَبَ الْأَكْبَرُ لِيُتَقِيَهُهُ أَسْحَادُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ عَلَى الْمَرَادِ وَشَرِيعَةُ وَاحِدَةٍ
هَذَا لَا يُمْكِنُ إِذْ لَا يَطِيبُ جَادِقٍ كَمَا سَبَّحَ مَوْلَانَا مُحَمَّدٌ رَحِمَهُ اللَّهُ الْوَالِدُ وَالْبَعْدُ الْوَالِدُ

البین . (۱)

در لوح فرورد در بجای دیگر حسین میفرماید :

إِنَّا نَرَاكُمْ فِي كُلِّ سَبْتَةٍ تَرَوَادُونَ مَصَارِفَكُمْ وَتَحْمِلُونَ عَلَى الرَّعِيَةِ إِنْ حَسَدَ الْأَعْظَمُ
عَظِيمٌ اتَّقُوا زُفْرَاتِ الْمَطْلُومِ وَعِبْرَاتِهِ وَتَحَمَّلُوا عَلَى الرَّعِيَةِ فَوْقَ طَائِفِهِمْ... أَنْ صَلُّوا
ذَاتِ جَنَّتِكُمْ إِذَا لَاتَ تَحْتَابُجُونَ كِبْرَةَ الْعَسَاكِرِ وَمَهْمَاتِكُمْ الْأَعْلَى قَسَدَ سَمْفُونٍ بِمَا لَكُمْ مِنْ جَدِّكُمْ

۱- الواح نازده خطاب به طوگک در نوسای ارض ، صفحہ ۱۳۴

ایکم ان تدعوا منا نصمم به من لدن حکیم امین . ان تصدوا یا معشر الملوک به یکنن ارباب
الاخلاف بینکم وتسیح الرعیة ومن جملکم ان اتم من العارین .

آیا غیر از اینست که کلمات میمن فرورد دولت بر تحدید حتمی و اکثر قدرت ای
لی نبد و مد علی میناید و این تحدید قدرت علی از مقدمات و تمهیدات ضروریه تحقیق تمهید
مجمع صل عالم بشمار میرود ؛ یک نوع حکومت عالیه جهانی باید رشتد و تکامل باید که همه
صل جهان با طب خاطر بر نوع ادعای مربوط بکنگ و برشی از حقوق مربوط به وضع
مالیات و کلیه حقوق مربوط به نگهداری قوای نظامی و آلات و ادوات حرب مجرب
خط نظم داخلی ممالک خود را بدان و گذار نمایند . یک چنین حکومت در نطق خود
اداری قوه مجریه بین المللی است که صلاحیت کافی دارد تا همه عضو طاعنی استخادیه
مجمع ممالک عالم را در برابر مرجعیت و قدرت عالیه و قاطع خود با طاعت و اداری
و نیز پارلمانی جهانی که اعضای آن از طرف مردم ممالک مختلف انتخاب میشوند و
مدد نمایند و ولتنامی خود را میگیرند ، و محکمگی برای بین المللی که رأی صادره از آن
حتی در مواردی که طرفین مایل با حاله دعوا بدین هیئت کبری نباشند مکی لازم الاجرا بشمار
میرود ، جامعه ای جهانی که در آن همه موانع اقتصادی برای همیشه مرتفع گردد و

ارتباط و امکان کار و سرمایه بنحو قاطع شناخته شود ، و در آن عرصه و بیابوی
 تعصبات و مجادلات مذہبی برای ابد تسکین یابد ، و در آن نارخصات نژادی سخام
 خاموش شود ، و در آن مجموعه واحدی از قوانین بین المللی که محصول داور بیای نمایندگان
 همه ممالک دنیا در این اتحادیه عالم است تدوین گردد و مراخذ مبرم و اجاری برود ؛
 متحد اعضای حکومت متحده ضامن اجرایی آن بشمار رود و بالاخره جامعه ای جهانی
 که در آن خشم ملت پرستی متلون و جنگاور نوعی انکاحی و جهان دوستی بدل شود -
 اینست روس کلی و برجسته نظمی که حضرت بہاء ائمه پیش منی فرموده اند ، نظمی کہ در آئندہ
 بمنزلہ ایہی ثمرہ عصری رو بکمال شناخته خواهد شد .

حضرت بہاء ائمه خطاب بہ اہل عالم چنین میفرمایند قولہ الاصلی :

« سرپردهٔ یکجائی بلند شد بچشمہ یکجان کجہ بگردا مبینید ہمہ بار یکدارید و برگت

یکت شاخار ... عالم یکت وطن بموجب و من علی الارض اہلہا ... لیس الفخر لکن کتب

الوطن بل لمن محبت العالم ..

وحدت در کثرت -

بگذارد راجع بہ مقصد اصلی شریعت جهانی حضرت بہاء ائمه شک و ظنی در دلہا را و

نیاید زیرا آنین نهائی نه تنها قصد ندارد که اساس اجتماع موجود را متلاشی سازد بلکه
 میباید بیانش را وسعت بخشد و فتوحات آن را متناسب و موافق با احتیاجات
 دنیائی دائم تغییر و دوباره شکل دهد. با پنج پیوندی تعارض ندارد و به تضعیف هیچ
 تبعیض نمی پردازد. قصد ندارد شعله مین پرستی را ستین و خردمندانه راز و لهمای نخب
 خاموش سازد یا نظام استقلال ملی را که برای دفع مفاسد و معایب متمرکز افراطی
 ضرورت دارد، از میان بردارد. تفاوت در تراود، آب و هوا، تاریخ، زبان
 و سنت، طرز فکر و عادت که حل و فصل عالم را گونه گون ساخته ناوید و بگیرد و در حدود
 محدود با بودی آنها بر نیاید. منادی و فاداری و وسیع تر و انالی گسترده تر از آنچه تا کنون
 نسل بشر را الهام نمیشد، میباشد. تاکید بر آن دارد که منافع و انگیزه های ملی باید تابع
 احتیاجات مبرم جهانی متحد شود. از یک سو متمرکز افراطی را در نظام جهانی مردود
 بشمارد و از سوی دیگر هر نوع تلاش برای یکپارختی و جهانندی دارد میکند. همچنانکه قدرت
 بعد البتة خود توضیح فرموده. شعار آنین نهائی وحدت در کثرت است ؛
 و نه خط نمایندگمای مدائن هر چند مختلف النوع و متفاوت اللون و مختلف الصور
 و الاشکانه ولی چون از یک آب نوشند و از یک آب باو شود و فنا نمایند و از حرارت و نضای

یک شمس پرورش نمایند آن تنوع و اختلاف بسبب از دیا و جلوه در وقت یکدیگر
 گردد ... اگر حدیقه فی را گلهای دریا صین و شکوفه و شمار و ادراق و انحصان
 اشجار از یک نوع و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد همیشه لطافتی
 و حلاوتی ندارد و لکن چون از حیثیت الوان و ادراق و از درو شمار گوناگون باشد
 هر یکی بسبب تزیین جلوه سایر الوان گردد و حدیقه انقیه شود و در نهایت لطافت
 و طراوت و حلاوت جلوه نماید و همچنین تفاوت و تنوع انکار و اشکال و آراء
 و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد
 در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود . الیوم حسنه قوه کلمه
 کلمه آنکه محیط بر حقایق اشیاء است عقل و انکار و قلوب و ارواح عالم انسانی
 را در ظل شجره واحده جمع نتواند . (۱)

پیام حضرت بهاء الله اساساً هر نوع محدودیت فکری ، تنگ نظری و
 تعصب را محکوم میکند . اگر آمال دیرین و مناسبات دیرپای پیشین ، معیار
 اجتماعی و قواعد مذهبی دیگر مروج منافع عمومی کافه عالم انسانی نیستند و احتیاجات

بشریت و انهم التكامل را تکلیف میکنند بگذار به اطلاق نسبیان سپرده شوند و متروک
 و فراموشی کردند ، چه در دنیائی که تابع قانون من غیر تبدیل است این عقاید و
 قواعد باید از این زوال که هرگز نوشته بشری را با مال شامل میشود مستثنی گردد . زیرا
 معیارهای قانون و تئوریهای سیاسی و اقتصادی صرفاً مبتنی بر حفظ منافع عالم انسانی
 متعظیم و تدوین گشته است ، نه آنکه عالم بشریت برای حفظ اصالت آئین و اصولی حکم
 قربانی گردد .

اصل وحدت عالم انسانی -

مکنه آریه اشتباه شود اصل وحدت عالم انسانی محوری که جمیع تعالیم حضرت
 سبأ الله در اطرافش دور میزند . صرف فوران احساساتی نام و ابراز امیدیه بهم و زاید
 نیست ندایش را نمیتوان صرف ایجاد روح برادری و خیراندیشی در بین انسانها
 و نیز بدش را منحصراً تکلیف و تقویت تعاون و تعاضد بین ملل و نسل انگاشت معانی
 و محتای مودود و آن عین تر و دوا و عایش عظیم تر از آن است که پیامبران پیشین مجاز به
 اظهار آن بودند ، پیامش نه تنها برای افراد است بلکه توجه بدان دسته از رواد با ضرورت
 دارد که ملل و دول را بشما به اصنافی یک خانواده انسانی با یکدیگر استلاف و اتحاد

می بخشد. آئین جهانی فقط ابلاغ لشکری مطلوب و عالی نیست بلکه با نمونه‌های
 پیوستگی جدا نماند می‌رود که آن قابلیت و لیاقت را داراست تا تحقیق آن را محسوس
 و مصور سازد و ارزش و اعتبار آن را مدلل و دارد و نفوذ و تاثیرش را مغلطه سازد و دوست
 بر تغییر و تبدیلی منظم نه ترکیب محبت اجتماع عصر حاضر دارد آن چنان تفسیری که تا به
 دنیا تکبیر نکرده است و نیز میبارای پوسیده عقایدی را به مبارز می‌بندد -
 مبارزه‌ای متدوانه و گسترده - همان عقایدی که هر یک دوره‌های وانی داشته‌اند و باید
 طبق سیر عادی حوادث، که در تفسیر قدرت پروردگار شکل می‌گیرند و جای خود را با اصول عقاید
 نوینی دهند که اساساً متفاوت و بسی برتر از آن است که دنیا تاکنون شناسیده است
 آئین جهانی بنیادی شجیه بنیادی عالم و خلق صلاح همه دنیای تمدن است. دنیایی که در
 شئون سیاست انسانی، دستگاه سیاسی، مقاصد روحانی، تجارت و اقتصاد
 زبان و خط اتحاد می‌یابد ولی خصوصیات ملی واحد‌های آن بسیار متنوع و گوناگون باقی
 می‌ماند.

آئین جهانی فرزند سیرتجی علی عالم انسانی را اعلان می‌دارد. سیرتجی که با توله می‌ماند
 خانواده آغاز کردید پس بصورت وحدت تبدیل شد و کمال یافت و بنوبه خود تشکیل دولت

مدنی منجر گردید و بعداً بشکل حکومتی ملی مستقل اشاع یافت .

اصل وحدت عالم انسانی که حضرت بهاء الله اعوان فرموده اند صراحتاً متضمن
این ادعا است که وصول بدین مرحله نمایی در این تحول عظیم نه تنها ضروری بل تمی است
و زمان تحتش سرعت نزدیک میشود و بغیر از قوه الهی نمیتواند در تأسیس آن توفیق یابد .
نخستین تجلیات نقشه ای چنین حیرت انگیز در مساعی و امتحانات اولیه پیروان است
قدم امر حضرت بهاء الله مشهود است که با آگاهی از خلوص مقاصد خویش و بهره مندی از
هدایت اصول عالیله نظم اداری برای تأسیس حکومت الله در بیسط غیرا به پیش میرود . تجلیات
غیر مستقیم این نقشه ملکوتی را میتوان در اشاعه تدریجی روح اتحاد و محبتگی جهانی یافت
که از میان برج برج جامعه ای آشفته نجومی طبیعی در حال ظهور و بروز است .

مشاهده شده و تکامل طرح عالی وحدت جهانی که باید انظار پایداران مسئول سرود
دول مل را مستعد آید بخود معطوف دارد همچنان انگیز است . برای ممالک و اماراتی
که بازیگری از برج و برج انقلاب عظیم ناپلونی رمانی میساقند و افکار همه حصر در اتقاق
حقوق خود بمنوان حکومتی مستقل یا تحت وحدت ملی ممالک خویش بود ، طرح اتحاد
دنیا بعید بل تصور ناپذیر بنظر میرسد . تا زمانی که نیروهای ناسیونالیسم مزخرف

سالود و اعتماد مقدس را که در صدد مهار قدرت فرایند و ثنیت پرستی بود، از هم بپاشند
 امکان نظم جهانی برتر از نظامهای سیاسی ملل فزونی بطور جدی مورد توجه قرار گرفته بود.
 نقطه پس از جنگ جهانی بود که علمداران ناسیونالیسم ازمای و غرور آمیز این چنین
 نظم جهانی را بدین عقیده و اصولی مضربناشتند که در صدد تضعیف آن و نفاذ امری است
 که برای ادامه حیات ملی ضروری است با قدرتی یاد آور نیروی اعضای اتحاد و متحد
 که برای بازداشتن روح ناسیونالیسم فرایند، بین ملل آزاد شده از یوغ ناپلیدی تلاش
 میکردند این مدافعان حاکمیت ملی خود و قید ملی بنوع خود تلاش کرده و میگفتند تا آن ولی
 را که نجات خود آنها با مال بدن بستگی دارد بلی اعتبار مساوند.

مخالفت شدیدی که طرح بی ثمر پروتکل ژنو با آن مواجه گردیده است، نشان
 نشار پشینا، اشخاص و مالک اروپا که پس از آن ارائه شده، گردید و شکست طرح کلی شجاعت
 اقتصادی اروپا شاید بهتر از مونی در راه کوششهای تعداد قلیلی از مردمان دوراندیش
 بنظر رسد که برای ارائه چنین افکار عالیه مشتاقانه تلاش میکنند و با این وجود وقتی
 مشاهد میکنیم که توجه به پیشینها و با بنفشانان رشد مداوم آن در افکار و اذهان
 بشمار میرود آیا حق آن نیست که شجاعت بیشتری کسب نماییم؟ آیا در نفس اقدامات

منطقی که برای بی اعتبار ساختن چنین طرح عالی درجریانست همان مبارزات و
مشاجرات شدید را در قلمروی وسیعتر مشابه نمیکیم که پیش از پیدایش مل متحد غرب
قد علم کردند و درین حال در نوسازی آن مؤثر بودند؟

اتحادیه عالم انسانی -

برای مثال امریکای شمالی را در نظر میگیریم که در ایام پیش از اتحاد ایالات آن
باید اطمینانی در مورد موانع تفوق ناپذیری که در راه وحدت نهائی آن وجود داشت
انها عقیده میشد؛ آیا همه جا با تکیه اعلان نمیکشت که تضاد منافع، عدم استقامت مقابل
تفاوت در حکومت و رسوم که ایالات مزبور را منقسم میساخت آنچنان بود که هیچ نیروی
روحانی یا مادی حصرگزین نبود به اتحاد آنها یا تفوق بر آنها امید بر بندد؛ با وجودی که
اوضاع واحوال کمی و پنجاه سال پیش از اقبال حصر حاضر تفاوتی شگرف دارد؛ در واقع خراب
نیت اگر گفته شود بخت فقدان تسبیلاتی که در زمان بابا پشیر قهای عملی جدید در ندمت بشر
قرار گرفته شده هستند تملیق ایالات امریکا بصورت اتحادیه امی واحد هر چند هم از برنی
جبات و دمای سختی مشابه بودند، تکلیفی بغایت پیچیده تر از آن بود که حال عالم بشریت
در سبیل مجاهدت خود بهت تحقق وحدت عالم انسانی با آن مواجده است .

آیا میتوان تصور نمود که برای شکل گرفتن برنامه و نسکری چنین متعالی عالم انسانی باید
 رنج و المی شدید تر از آنچه تاکنون تجربه کرده است تحمل نماید! آیا چه عالم غیر از بسبب
 یک جنگ داخلی با همه خشونت و درگرفتنی آن جنگی که تقریباً جمهوری امریکارا از محرم ستایشی
 کرد، میروست ایالات فرورد را با همه تفتاد و تهای نژادی که حسرت را هر که آنرا ستایز میگوید
 نه تنها بصورت اشیا و ایالات متعل در آورد بلکه بشکل ملتی واحد تاملق نماید؟ در اینکه
 چنین انقلاب عظیم شامل تفسیراتی چنین وسیع در ترکیب اجتماع بتواند از طریق جرمیانات
 عادی سیاست و تعلیم و تربیت تحقق یابد بسیار بعید بنظر میرسد اگر فقط به فصول چنین
 تاریخ بشریت نظر نکنیم متوجه میشویم که تنها درد و رنج شدید روحی جسمی نوانت تفسیراتی
 که بزرگترین تحولات را در تاریخ تمدن بشر شامل میشود و ادوار جدیدی را گشوده است،
 تشریح کند.

بوته رنج و بلا -

تفسیرات و تحولات گذشته هر چند عظیم و وسیع بوده است لکن وقتی از جنبه
 صحیح مورد توجه قرار گیرید و آنجا معلوم آید که همه تحولات فرورد نقطه منفرقه تمهید سبیل
 همت تحقق آن درگرفتنی و تعلیق بشمار میسرود که از نظر عظمت و وسعت بی نظیر و بدیل

خواهد بود و عالم انسانی باید در این عصر آزمایسته به کند . در اینکه نقطه نیروی مصیبت
 و طغیان ای جهانی می تواند باعث تسریع در تحقق چنین مرحله ای در اندیشه انسان گردد و سبب
 که رفته رفته پدیدار میگردد . در اینکه نقطه آتش خدایی شدید با جذباتی بی نظیر می تواند ماهیت
 متخالف و متغایر که عناصر تمدن عصر حاضر را تشکیل میدهد بصورت اجزاء مرکبه اتحادیه جهانی
 ممالک درآیند . در آرد تحقیق است که حوادث آتی بیشتر و بیشتر از ثبات و منفی خواهد داشت
 در او فقر کلمات مکتوبه حضرت بهاء الله ، « ابل ارض ، را انداز میفرمایند که :

« بهای ناگمانی شمارا در پی است و عقاب عظیم از عقب » در واقع این ندای آسمانی
 در پر تو نور پر فروغ خود تقدیرات فعلی بشر غمناک و اندوهگین را روشن و آشکار میسازد .
 پنج نیز بجز آتش رنج ، خدایی شدید که عالم بشری تطهیر یافته و مستعد از آن بیرون خواهد
 نمیتواند رهبران عصر نوزاد را متوجه مسئولیتی نماید که برای قبولش باید قیام کنند .
 بار دیگر نظر شمارا بدین کلمات مهمین و انداز آمیز حضرت بهاء الله که از پیش نقل کردیم
 معطوف میدارم : « اذ انتم المیقات یظهر نبقه ما ترعد به فرائض العالم » . ۱۱

آیا حضرت عبدالباقا ، بنفسه با انسانی قاطع بیان فرمودند که « در مستقبل حربی
 ۱- منضم بیان مبارکت به فارسی چنین است « و من میقات من رسید ناگهان چیزی پدید میآید که امکان
 عالم را میسوزاند » .

شدیدترین واقعه گرو ۱۳۰۱

طلوع دوره عزت و سعادت عالم بشریت که شاعران در طی قرون و عصاره در وصف آن به نظم سرود و اشعار پرداخته اند و بسیار زمانی دراز آنرا در رویداد دیده اند منوط به اتمام و اكمال این طرح عظیم و شکوهمند اتحاد دنیا است - اتحادی که صیغه صنایع سیاست رومیان از عمده تحقق آن عاجز ماند و مساعی مایوسانه ناپلئون با شکست روبرو شد. و نیز تحقق نبوات انبیای سابق که روزی شمشیر با بگماه آهن تبدیل خواهد شد و شیر دبره در کنار هم خواهند رسید مربوط به تحقق اتحاد عالم است و تنها آن میتواند مصادی ملکوت اب ساوی باشد که دیانت عیسی مسیح بدان بشارت داده است. تنها همین اتحاد عالم میتواند سالوده نظم بدیع جهانی را که فتنهت بسا. اند تصویر فرموده اند پی ریزی نماید چنان نظمی که درنده استعد او عالم خاک این بیط غمبار آینه تجلیات ملکوت ابیحی خواهد کرد.

مضافاً اینکه اعلان وحدت عالم انسانی - اس اسس سلطنت میط حضرت
بنیاد آنست - هیچ عنوان نمیتواند با ابراز امید زاید آنکه از قبل انبار شده قیاس گردد.

حضرت صرفاً ندانی را بی یار و یاور در برابر مخاصمان متحد و بی رحم و دوتن از مقتدرترین
 حکمرانان خا و زمین، که در دست آنها اسیر و سجون بود، بلند نکرد و بلکه این اعلان در
 آن واحد متضمن انذار و بشارتی است - انذار بدین واقعیت که تنها وسیله نجات و نیامی بخیر
 و دردمند در قبول این اصل است . بشارت بدین حقیقت که تحقق آن قریب الوقوع است .
 در زمانی که امکان تحقق وحدت عالم انسانی هنوز در هیچ نقطه از جهان از جانب
 هیچکس از اندیشمندان بطور جدی تصویر نشده بود توسط حضرتش اطلاع شد ولی بگفت
 قوه حکمتی که روح حضرت بنا بر آن در بدن او میدرسد انجام عده روز افزونی از متفکرین
 جهان را تنها امکان تحقق آنرا قریب الوقوع می پندارند بلکه آنرا نتیجه حتمی قوای شمارند
 که اینک در کره خاک در حرکتند .

سنادی پروردگار -

دنیا که بر اثر پیشرفت اعجاب انگیز علوم مادی و نیز بر اثر اتساع دایره صنعت و
 تجارت بصورت بیکی واحد ولی پیچیده درآمده و تحت فشار قوای اقتصادی در جهان
 در میان مخاطرات تمدن مادی در حال تلاش و تقلا است مملکتها نیازی مبرم وارد تا
 حقیقی که مبسوطای همه ظهورات گذشته را تشکیل میدهد و دوباره باز بانی تناسب با مقتضیات

فرد زیر عصر حاضر بیان اعلان کرد و دو چهره صدائی رساتر از ندای حضرت بآ آتیه،
 صدای پروردگار، در این عصر وجود دارد که بتواند تفسیر و تعلیمی اساسی پدید آورد، همان
 آنچه اینک در قلوب زنان مردانی که قاطبه پیروانش در سراسر جهان شکل می‌دهد
 تحقق بخشیده است. نفوس که تفاوتی فراوان داشتند و بظاہر اطلاق ناپذیر
 بنظر میرسیدند.

در اینکه اندیشه‌ای چنین بزرگ در افکار مردم بسرعت در حال شلغون است.
 در اینکه در پشتیبانی از آن قربانان ملی بلند میشود، در اینکه زمامداران و قدرتمندان باید
 از رنوس برجسته آن هر چه زودتر آگاهی یابند در واقع مترکسی شک می‌کند. اینکه نخستین
 طلعات آن هم اکنون در تشکیلات جهانی جهانی در حال شکل گرفتن است نقطه کسانی که
 قلوبشان را که درت تعصبات تیره و تار کرده باشد از ادراک آن عاجز می‌مانند.
 ای بهکاران عزیز و محبوب! این وظیفه خطیر بر عهده ماست که با بصیرتی روشن
 و عشق و شوری پر صراحت مساعی خود را در گنگ به ارتقاء کاخ رفیعی که اساسش را
 حضرت بآ آتیه در قلوب بنیان نهاده اند ادامه دهیم. از جریان حوادث اخیر،
 هر چند اثرات فعلی آن ظلمانی باشد امید و نیروی بیشتری کسب کنیم و با شوق و شور

افزودتری بدعا پردازیم که شاید حضرتش تحقق آن آرمان شکوهمند را که در خشنازترین
تراوش روح فیضش بشمار میرود و او این ثمره شکوهمندترین مدنی محسوب میگردد که جهان
بمخود دیده است تبریح فرماید .

آیا صدین سالروز اعلان امر حضرت بها الله ۱۱۰۱ دلالته بر آغاز سنین دوره
دینی در تاریخ عالم انسانی ندارد؟

برادر مستی شایسته - شوقی

۱۸ نوامبر ۱۹۳۱

۱- ۱۹۶۳: بیت العمل علیه السلام این مصداق سال ۱۶۶۳ میلادی گردید (م ۱۰)